



کاربرد تمثیل در قرآن برای تسهیل در فهم است/ تبیین مفهوم امیر بیان

آیت‌الله‌العظمی جواد آملی در جلسه تفسیر، با بیان اینکه خدا در سوره نور به نور خود مثال زده، نه خودش، گفت: تمثیل در قرآن برای تسهیل در فهم بشر است و الا کلام خدا نیازی به مثال ندارد.

آیت‌الله‌العظمی جواد آملی در جلسه تفسیر، با بیان اینکه خدا در سوره نور به نور خود مثال زده، نه خودش، گفت: تمثیل در قرآن برای تسهیل در فهم بشر است و الا کلام خدا نیازی به مثال ندارد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) آیت‌الله‌العظمی عبدالله جواد آملی، امروز 8 آذر در درس تفسیر خود در مسجد اعظم در ادامه مباحث عقل عملی و نظری به آیاتی از سوره «یس» اشاره کرد و گفت: در آیات پایانی این سوره، خداوند مثالی برای ما زده و فرموده است به کسانی که منکر معاد هستند، بگو خلق انسان‌ها بعد از مرگ برای ما آسان‌تر از بار نخست است.

خداوند به نور خود مثال زد نه خودش

وی افزود: همان طور که گفته شد، این مثل برای فهم انسان زده شده است و الا خداوند نیازی به مثال ندارد. در سوره نور نیز برای خدا مثل زده، بلکه برای نور خدا مثل زد و نفرمود «مثله کمثل...» بلکه فرمود «مثل نوره کمشکوة».

وی ادامه داد: بحث دیگر این است که در بهشت اراده فراوان است و بهشتیان با اراده غذا می‌خورند و متنعم می‌شوند ولی اراده برای عمل صالح نمی‌توانند بکنند چه اینکه کافران نمی‌توانند اراده بکنند که توبه کنند و ایمان بیاورند. این هم ممکن نیست چون در آنجا دیگر عقل عملی وجود ندارد.

کفار قدرت گفتن «امنا» را در قیامت ندارند

جواد آملی بیان کرد: حق در روز قیامت برای کفار کشف می‌شود، اما نمی‌توانند بگویند «آمنا»؛ آنکه علم را با جان گره می‌زنند و مومن می‌شود، این کار در دنیا است و در آخرت جای این امور بسته است.

وی افزود: کلینی در کتابش ابتدا «العقل و الجهل» و بعد کتاب دومش را کتاب «العلم» آورده است که عصاره این کتاب آن است که انسان یا بهشت و یا جهنم می‌رود و بهشتی و جهنمی یا درس خوانده است و یا درس نخوانده است.

وی افزود: آنچه آدم را بهشت می‌برد عقل و آنچه به جهنم می‌برد جهل است؛ لذا امیر بیان فرمود «قامت السموات و الارض بالعقل» و برپایی آسمان‌ها و زمین نیز براساس عقل است نه علم.

مفهوم امیر بیان

جواد آملی در ادامه به شخصیت والای امیرمومنان اشاره و بیان کرد: امیر بیان که می‌گوئیم معنای آن این نیست که سخنور و سخنران خوبی است بلکه فرمانروای حرف است؛ می‌فهمد کجا باید حرف بزنند و کجا نزنند و 25 سال ساکت باشند و 5 سال حرف بزنند، و البته شکی در فصاحت و بلاغت کلام مولا نیست.